

A Jurisprudential Study of Insider-dealing and Insider-dealing Behavior in Imāmī Jurisprudence, with an Emphasis on Primary and Secondary Evidences and Governmental Rulings

Mohsen Ghasempour¹

1 . Member of the Department of Ethics and Education, Baqir al-Olum University (AS), Qom, Iran (Graduate of the High-Level Studies of the Qom Seminary). ghasempour158@gmail.com

Abstract

Insider-dealing (*rānt*) and insider-dealing behavior (*rānt-khārī*) represent significant economic and ethical challenges in contemporary societies, leaving extensive consequences on economic justice and public trust. This research employs a descriptive-analytical method to investigate insider-dealing and insider-dealing behavior within Imāmī jurisprudence, with an emphasis on primary evidences (*adillah awwaliyya*), secondary evidences (*adillah thānawiyya*), and governmental rulings (*ḥukm ḥukūmatī*). By integrating the discourses of individual jurisprudence (*fiqh al-fardī*) and governmental jurisprudence (*fiqh al-ḥukūmatī*), this article aims to formulate the prohibition of insider-dealing based on primary and secondary evidences (including concepts such as systemic disruption and harm to the state system [or Establishment]). Furthermore, it provides a jurisprudential framework to delineate the limits and powers of the Islamic government in preventing, controlling, and combating insider-dealing. The findings of the research indicate that while existing jurisprudential literature has extensively examined titles such

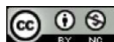
Cite this article: Ghasempour, Mohsen, M.B. (2025). A Jurisprudential Study of Insider-dealing and Insider-dealing Behavior in Imāmī Jurisprudence, with an Emphasis on Primary and Secondary Evidences and Governmental Rulings. *Journal of Social Jurisprudence researchs*, 1(2): p. 131-152.

Received: 2025/12/10 ; **Revised:** 2026/01/15 ; **Accepted:** 2026/02/16 ; **Published online:** 2026/03/20

© The Author(s).

Article Type: Research Article

Publisher: Baqir al-Olum University



<https://jsj.bou.ac.ir/>

as “unjust consumption of property” (*akl al-māl bi-l-bāṭil*), “usurpation of benefits” (*ghaṣb al-manāfi*), “misappropriation of public assets,” and issues related to bribery, hoarding, and financial corruption, few studies have systematically and coherently analyzed the concept of insider-dealing and its various forms in light of the fundamentals of Imāmī jurisprudence and governmental jurisprudence. Additionally, this study elucidates the relationship between insider-dealing [behavior] and the duties of the Islamic government in the realm of economic policymaking.

Keywords: Insider-dealing, Insider-dealing behavior, Imāmī Jurisprudence, Unjust consumption of property, Governmental ruling, Economic justice.



بررسی فقهی رانت و رانت خواری در فقه امامیه با تأکید بر ادله اولی، ثانوی و حکم حکومتی

محسن قاسمپور^۱

۱. عضو گروه اخلاق و تربیت، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (دانش آموخته سطوح عالی حوزه علمیه قم)

ghasempour158@gmail.com

چکیده

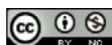
رانت و رانت خواری از چالش‌های مهم اقتصادی و اخلاقی در جوامع معاصر است و پیامدهای گسترده‌ای بر عدالت اقتصادی و اعتماد عمومی برجای می‌گذارد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی رانت و رانت خواری در فقه امامیه با تأکید بر ادله اولی، ثانوی و حکم حکومتی می‌پردازد. این مقاله بر آن است با تلفیق مباحث فقه فردی و فقه حکومتی از یک سو حرمت رانت خواری را بر اساس ادله اولیه و ثانویه (از جمله عناوینی مانند اختلال نظام و ضرر به نظام) صورت‌بندی کند؛ از سوی دیگر، چارچوبی فقهی برای تبیین حدود و اختیارات دولت اسلامی در پیشگیری، کنترل و مقابله با رانت خواری ارائه می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد هرچند در ادبیات فقهی موجود، عناوینی چون «اکل مال به باطل»، «غصب منافع»، «تصرف در اموال عمومی» و نیز مباحث مربوط به رشوه، احتکار و فساد مالی به گستردگی بررسی شده‌اند، اما کمتر پژوهشی به گونه‌ای منسجم و نظام‌مند، مفهوم رانت و اقسام آن را در پرتو مبانی فقه امامیه و فقه حکومتی تحلیل کرده است؛ همچنین به تبیین نسبت آن با وظایف دولت اسلامی در عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: رانت، رانت خواری، فقه امامیه، اکل مال به باطل، حکم حکومتی، عدالت اقتصادی.

استناد به این مقاله: قاسمپور، محسن (۱۴۰۴). بررسی فقهی رانت و رانت خواری در فقه امامیه با تأکید بر ادله اولی، ثانوی و حکم حکومتی. پژوهش‌های فقه اجتماعی، ۱۰(۲)، ص ۱۵۲-۱۳۱.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۱۰/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

© / نویسندگان نوع مقاله: پژوهشی ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع)



<https://jsj.bou.ac.ir/>

مقدمه

رانت و رانت‌خواری از پدیده‌هایی هستند که در دهه‌های اخیر به‌ویژه در جوامع در حال توسعه و نظام‌های مبتنی بر تمرکز قدرت و منابع به یکی از چالش‌های اساسی عدالت اقتصادی، سلامت اداری و اعتماد عمومی تبدیل شده‌اند. رانت در معنای عام خود به بهره‌مندی اشخاص حقیقی یا حقوقی از امتیازات خاص، انحصاری و ناعادلانه اطلاق می‌شود که نه بر اساس شایستگی و رقابت سالم، بلکه در نتیجه دسترسی ویژه به قدرت، اطلاعات یا منابع عمومی به دست می‌آید (Tullock, 1967, p. 224؛ خسروی، ۱۳۹۵، ص ۳۴). چنین پدیده‌ای افزون بر آثار ویران‌کننده اقتصادی، پیامدهای عمیق اجتماعی و نهادی نیز به همراه دارد و می‌تواند کارآمدی نظام حکمرانی و اعتماد عمومی را تضعیف کند (مؤمنی، ۱۳۹۲، ص ۷۸).

در نظام اسلامی که عدالت، نفی ظلم و صیانت از حقوق عمومی از اصول بنیادین آن به شمار می‌روند، رانت و رانت‌خواری اهمیتی دوچندان می‌یابد. آموزه‌های قرآن کریم، سنت نبوی و سیره معصومان (ع) به‌گسترده‌گی بر حرمت ظلم، منع اکل مال به باطل، رعایت عدالت در توزیع فرصت‌ها و امانت‌داری در مناصب و مسئولیت‌های عمومی تأکید کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۵۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۷۲).

با وجود فراوانی اصول کلی در منابع دینی (نظیر حرمت اکل مال به باطل)، این پرسش بنیادین مطرح است که آیا رانت‌خواری به‌مثابه پدیده‌ای مستحدثه و معاصر، از منظر فقه امامیه واجد عنوان مستقل حرمت است یا حرمت آن تابع عناوین و ادله عام‌تری همچون ظلم، خیانت در امانت و اضرار به غیر است؟ (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۷۲). افزون بر این پیچیدگی‌های ساختار حکومت‌های مدرن و گسترش نقش دولت در توزیع منابع، اطلاعات و فرصت‌های اقتصادی سبب شده است که رانت در بسیاری از موارد ماهیتی ساختاری و نهادی پیدا کند و تنها تخلفی فردی تلقی نشود (Krueger, 1974, p. 291؛ موسوی، ۱۳۹۸،

ص ۱۱۲). در چنین شرایطی، تبیین وظیفه دولت اسلامی در پیشگیری، مقابله و برخورد با رانت خواری ضرورتی انکارناپذیر است. باید روشن شود که آیا حاکمیت اسلامی فقط موظف به اجرای احکام اولیه و ثانویه است یا در چارچوب «فقه حکومتی»، می تواند و باید با وضع مقررات الزام آور، محدود کردن انحصارها و جرم انگاری برخی رفتارها، از تحقق رانت جلوگیری کند؛ امری که مستلزم تحلیل دقیق نسبت میان رانت و احکام اولیه، ثانویه و حکومتی است (خمینی، ۱۴۰۸، ص ۵۵).

پیشینه تحقیق نشان می دهد بخش زیادی از مطالعات انجام شده درباره رانت بر حوزه های اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه شناسی متمرکز بوده اند و تحلیل های فقهی به ویژه در چارچوب فقه امامیه، سهم اندکی از این پژوهش ها را به خود اختصاص داده اند. در بسیاری از این آثار، رانت فقط به مثابه پدیده ای اقتصادی یا اداری بررسی شده است و نویسندگان کمتر کوشیده اند ماهیت فقهی، عناوین شرعی انطباق پذیر و آثار تکلیفی و وضعی مترتب بر آن را به گونه ای منسجم تبیین کنند؛ از این رو پژوهش حاضر بر آن است با روش توصیفی - تحلیلی به این خلأ پژوهشی بپردازد و ضرورت پرداختن مستقل و نظام مند به مسئله رانت از منظر فقه امامیه را بیش از پیش آشکار کند.

۱. مفهوم رانت

۱-۱. معنای لغوی

«رانت» (Rent) ریشه ای لاتین دارد و در زبان های اروپایی در اصل به معنای «بهره مالکانه»، «اجاره بها» و «درآمد حاصل از اجاره» به کار می رفته است. در فرهنگ های لغت فارسی نیز این واژه به درآمدی اطلاق می شود که از فرصت ها و موقعیت های برتر حاصل شده و غالباً ناظر به ثروتی است که نه از مسیر کار مولد، بلکه بادآورده و غیرتولیدی به دست می آید (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه رانت؛ Pearce, 1992, p. 375). بنابراین «رانت» در زمره مسائل و مفاهیم

«مستحدثه» قرار دارد؛ بدین معنا که عنوان «رانت» با ماهیتی مستقل و تعریفی مشخص، در عرف عصر صدور نصوص شرعی و دوران حضور معصومان (ع) مطرح نبوده است. بر همین اساس، نه در آیات قرآن کریم و نه در روایات، حکمی صریح و ویژه با این عنوان خاص مشاهده نمی‌شود و فقیهان متقدم نیز باب مستقلی را به آن اختصاص نداده‌اند. بنابراین بررسی چنین موضوعاتی در فقه ذیل مباحث «مسائل مستحدثه» قرار می‌گیرد و فقیه باید حکم آنها را از قواعد و عناوین کلی شریعت استنباط کند (خمینی، ۱۴۰۸، ص ۶۷؛ صدر، ۱۴۰۲، ص ۴۱).

این وضعیت در تقابل با برخی مفاهیم اقتصادی نظیر «ربا» قرار دارد؛ پدیده‌ای که اگرچه امروزه نیز از مباحث محوری علم اقتصاد به شمار می‌رود، در عصر تشریع نیز موضوعی کاملاً شناخته شده بوده است؛ به همین دلیل ادله تفصیلی حرمت ربا در قرآن و سنت بیان شده است و فقیهان نیز در ابواب گوناگون فقهی به گستردگی درباره آن بحث کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۳۴).

۲-۱. رانت در اصطلاح

میان اقتصاددانان در تعریف اصطلاحی رانت، اتفاق نظر کاملی وجود ندارد؛ با این حال قدر متیقن اغلب تعاریف آن است که رانت درآمدی متمایز از سود حاصل از فعالیت تولیدی یا دستمزد ناشی از کار است و غالباً به درآمدی اطلاق می‌شود که بدون مشارکت واقعی در فرایند تولید حاصل می‌گردد (Tullock, 1967, p. 224؛ Krueger, 1974, p. 291).

در همین راستا، دیوید پیرس در فرهنگ اقتصاد نوین، رانت را پرداختی می‌داند که مازاد بر مقدار لازم برای به کارگیری یک عامل تولید انجام می‌گیرد؛ تعریفی که بر عنصر «زیاده پرداخت» و فقدان تناسب میان درآمد و استحقاق واقعی تأکید می‌ورزد (Pearce, 1992, p. 376). بر این اساس، بررسی فقهی رانت ناگزیر مبتنی بر روش «استنباط غیرمستقیم» است؛ بدین معنا که استخراج حکم شرعی آن در گرو تحلیل دقیق ماهیت این پدیده در عرف امروز، تطبیق آن بر

عناوین و قواعد کلی فقهی و در نهایت «اصطیاد حکم از مذاق شریعت» است؛ روشی که در مواجهه با مسائل نوپدید در فقه معاصر بدان تأکید شده است (صدر، ۱۴۰۲، ص ۴۵).
گفتنی است برخی از پژوهشگران قید «از راه‌های نامشروع» را جزء تعریف رانت دانسته‌اند؛ با این وجود، از منظر روش‌شناسی فقهی، نمی‌توان ابتدا عملی را نامشروع فرض کرد و سپس در پی اثبات حرمت آن برآمد، بلکه لازم است ابتدا موضوع‌شناسی دقیق انجام گیرد و سپس حکم آن از طریق تطبیق بر قواعد کلی فقهی استنباط شود (صدر، ۱۴۰۲، ص ۴۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۹).

۲. اقسام رانت و آثار فقهی هر کدام

با توجه به تعریف برگزیده از رانت و شاخصه‌های به دست آمده، روشن می‌شود که رانت پدیده‌ای تک بعدی و یکنواخت نیست، بلکه با لحاظ نوع نفوذ، حوزه اثرگذاری و زمینه تحقق، اقسام و مصادیق متعددی دارد. اهمیت این تقسیم‌بندی از منظر فقهی در آن است که حکم تکلیفی و وضعی رانت در برخی جزئیات می‌تواند تابع نوع آن و شرایط تحققش باشد؛ هرچند در اصل حرمت میان اقسام مختلف آن اشتراک وجود دارد (Tullock, 1967, p.224؛ Krueger, 1974, p.291؛ مؤمنی، ۱۳۹۲، ص ۷۸).

در این بخش، مهم‌ترین اقسام رانت - مطابق با کاربرد عرفی و چارچوب تحلیلی پژوهش حاضر - تبیین می‌شود و آثار فقهی هر کدام به اجمال بررسی گردیده است.

۱-۲. رانت اقتصادی

۱-۱-۲. تبیین مفهوم و مصادیق

«رانت اقتصادی» شایع‌ترین و ملموس‌ترین نوع رانت است و غالباً ارتباط مستقیمی با سرمایه، پول و منافع مالی دارد. این نوع رانت زمانی تحقق می‌یابد که با توسل به نفوذ،

قدرت یا روابط خاص، امتیازهای اقتصادی در اختیار اشخاص یا شرکت‌های محدودی قرار گیرد؛ در حالی که دیگر افراد با وجود برخورداری از شرایط مساوی، از آن محروم می‌مانند (Krueger, 1974, p.291؛ Nye, 2007, p.52). از مصادیق بارز رانت اقتصادی - چنان‌که در

متن پژوهش نیز تصریح شده است - می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) اعطای انحصاری مجوز واردات یا صادرات یک کالا به یک یا چند شرکت خاص؛
ب) انتخاب یک بانک یا شرکت مشخص و از پیش تعیین شده برای توزیع کالاها، بسته‌های حمایتی یا ارائه خدمات عمومی؛

ج) واگذاری پروژه‌های عمرانی، شهری، استانی یا ملی (مانند راه‌سازی، پل‌سازی یا طرح‌های مسکن) به شرکت‌های خاص، بدون رعایت ضوابط رقابت عادلانه؛

د) اعطای معافیت‌های مالیاتی، وام‌های کلان یا تسهیلات حمایتی به صنایع یا بنگاه‌های خاص، در حالی که دیگر فعالان اقتصادی از چنین امتیازاتی بی‌بهره‌اند (خسروی، ۱۳۹۵، ص ۳۴؛ مؤمنی، ۱۳۹۲، ص ۷۹).

در این نوع رانت همان‌گونه که در متن اصلی پژوهش آمده است، دو عنصر اساسی نقش محوری دارد:

نخست: منافع مالی و اقتصادی مستقیم؛ دوم: زدوبند و روابط غیرشفاف در مسیر انتقال سرمایه یا رفع موانع آن (Tullock, 1967, p.224).

۲-۱-۲. تحلیل فقهی اجمالی

«رانت اقتصادی» از دیدگاه فقهی، غالباً مصداق روشن «اکل مال به باطل» است؛ زیرا مالی که از این طریق تحصیل می‌شود، نه بر پایه کار مولد، استحقاق واقعی یا رقابت سالم، بلکه بر اساس امتیاز انحصاری و ناعادلانه به دست آمده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۵۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۷۲).

افزون بر این چنین رفتاری نوعی تضییع حقوق عمومی و اخلال در عدالت توزیعی به شمار می‌رود و عرف نیز به لحاظ عقل آن را عملی ناپسند و توجیه‌ناپذیر تلقی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۱)؛ از این رو حرمت فقهی این قسم از رانت با توجه به مبانی یادشده، تقویت می‌شود.

۲-۲. رانت سیاسی

۲-۱- تبیین مفهوم و مصادیق

«رانت سیاسی» به بهره‌مندی از توزیع ناعادلانه قدرت، منصب و موقعیت در ساختار دولت، سازمان‌ها، احزاب و نهادهای تصمیم‌گیر اطلاق می‌شود. در این نوع رانت، امتیاز ویژه الزاماً به مال مربوط نمی‌شود، بلکه از طریق دست‌یابی به منصب و قدرت، زمینه بهره‌مندی‌های اقتصادی یا اجتماعی بعدی فراهم می‌گردد (Nye, 2007, p.56؛ مؤمنی، ۱۳۹۲، ص ۸۳). از مصادیق رانت سیاسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- الف) انتصاب افراد به مناصب مدیریتی و اجرایی فقط بر اساس وابستگی جناحی، خویشاوندی یا نقش آنان در کسب قدرت، نه بر مبنای شایستگی، صلاحیت و اهلیت؛
- ب) ترجیح منافع گروهی و حزبی در تصمیم‌گیری‌های کلان بر مصالح واقعی جامعه؛
- ج) استفاده از نفوذ و موقعیت سیاسی برای تأمین منافع خاص اشخاص یا گروه‌های همسو (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۴).

۲-۲- تحلیل فقهی اجمالی

«رانت سیاسی» از منظر فقه اسلامی، غالباً ذیل عناوینی چون «خیانت در امانت» و «ظلم» تحلیل‌شدنی است؛ زیرا منصب و قدرت در نظام اسلامی، امانتی در دست متصدیان آن به شمار می‌رود و بهره‌برداری ابراری از آن برای منافع شخصی یا گروهی، خروج از حدود

امانت‌داری محسوب می‌شود (خمینی، ۱۴۰۸، ص ۵۵). هرچند این نوع رانت ممکن است در مرحله نخست به کسب مستقیم مال منتهی نگردد، اما به واسطه آثار و نتایج اقتصادی مترتب بر آن، می‌تواند از حیث فقهی زمینه‌ساز «اکل مال به باطل» نیز باشد.

۲-۳. رانت اطلاعاتی

۲-۳-۱. تبیین مفهوم و مصادیق

«رانت اطلاعاتی» یعنی وضعیتی که اشخاص حقیقی یا حقوقی به اطلاعات خاص، محرمانه یا پیش از موعد به گونه‌ای انحصاری دسترسی می‌یابند و از این رهگذر به منافع مادی یا معنوی دست پیدا می‌کنند. این نوع رانت به دلیل ماهیت غیرشفاف و پنهان خود از پیچیده‌ترین اقسام رانت به شمار می‌رود (Krueger, 1974, p.295). از مصادیق مهم این نوع رانت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) آگاه‌شدن برخی افراد از قیمت‌های پیشنهادی در مناقصه‌ها یا مزایده‌ها و پیروزی در آنها بدون تحقق رقابت سالم؛

ب) استفاده از اطلاعات داخلی پروژه‌ها، طرح‌های عمرانی یا تصمیم‌های اقتصادی برای خرید و فروش املاک، سهام یا کالاها پیش از آگاهی عمومی؛

ج) بهره‌برداری از اطلاعات سیاسی یا قضایی محرمانه به منظور کسب منافع شخصی یا گروهی (خسروی، ۱۳۹۵، ص ۴۰).

۲-۳-۲. تحلیل فقهی اجمالی

«رانت اطلاعاتی» از حیث فقهی شباهت چشمگیری با برخی ابواب فقه معاملات به‌ویژه «تلقی رکبان» دارد؛ زیرا در هر دو مورد، تقارن نداشتن اطلاعاتی و سوءاستفاده از جهل یا

بی اطلاعی دیگران نقش اساسی ایفا می کند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۲۷۵). عرف به لحاظ عقل چنین رفتاری را فریب کارانه و غیر عادلانه می داند؛ همچنین فقه اسلامی آن را مشمول عناوینی همچون غرر، ظلم و اکل مال به باطل تلقی می کند (نراقی، ۱۴۰۸، ص ۴۵۸).

۴-۲. رانت قضایی

۱-۴-۲. تبیین مفهوم و مصادیق

«رانت قضایی» زمانی تحقق می یابد که در مراحل رسیدگی، صدور یا اجرای حکم به واسطه نفوذ، روابط شخصی یا فشارهای غیرقانونی، مسیر عادی دادرسی منحرف شود. این تغییر ممکن است به نفع یا حتی به ضرری یکی از طرفین باشد؛ اما در هر حالت، خروج از مسیر عدالت و نقض بی طرفی قضایی به شمار می آید (موسوی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲).

۲-۴-۲. تحلیل فقهی اجمالی

«رانت قضایی» از دیدگاه فقه امامیه از شدیدترین اقسام رانت به شمار می رود؛ زیرا ارتباط مستقیمی با حق، عدالت و قضاوت دارد. بر اساس مبانی فقهی نه تنها تصرفات مالی ناشی از این نوع رانت باطل و غیرنافذ است، بلکه در بسیاری از موارد اصل حکم صادرشده نیز به دلیل فقدان شرایط شرعی قضاوت، نفوذ و اعتبار شرعی نخواهد داشت (خمینی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۷۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۰، ص ۶۳).

۵-۲. رانت اجتماعی

«رانت اجتماعی» به بهره برداری از روابط دوستی، خویشاوندی، عضویت در گروه ها یا برخورداری از موقعیت های خاص اجتماعی برای کسب امتیازاتی اطلاق می شود که

در نهایت به تحصیل منافع یا درآمد ویژه می‌انجامد. هرچند این نوع رانت در ظاهر ساده‌تر و غیررسمی‌تر به نظر می‌رسد، اما اگر منجر به کسب منافع ناعادلانه و محرومیت دیگران شود، از حیث فقهی تفاوتی ماهوی با سایر اقسام رانت نخواهد داشت (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۵).

۲-۶. جمع‌بندی اجمالی آثار فقهی اقسام رانت

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان نتایج زیر را به اجمال بیان کرد:

الف) تمامی اقسام رانت در صورت تحقق شاخصه‌های سه‌گانه (کسب منفعت، زدوبند و خروج از چارچوب عدالت)، مشمول عناوین فقهی حرمت‌زا هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۵۳).

ب) تفاوت اقسام رانت بیشتر ناظر به موضوع و زمینه تحقق آنهاست نه اصل حکم فقهی. ج) بسیاری از مصادیق رانت افزون بر حرمت تکلیفی، حرمت وضعی نیز دارند و تصرف در اموال حاصل از آنها شرعاً باطل خواهد بود (نراقی، ۱۴۰۸، ص ۴۶۱).

۳. حرمت رانت‌خواری از باب «ظلم»

۳-۱. جایگاه قاعده حرمت ظلم در فقه

حرمت ظلم از بدیهیات شریعت اسلامی و از مستقلات عقلیه به شمار می‌رود. قرآن کریم در آیات متعددی ظلم را نفی می‌کند و آن را سرچشمه فساد فردی و اجتماعی معرفی کرده است؛ از جمله می‌فرماید: «وَلَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (البقرة: ۲۷۹).

فقیهان امامیه نیز با استناد به ادله قرآنی و روایی، ظلم را به معنای تعدی از حق و قراردادن چیزی در غیر موضع خود دانسته‌اند و آن را از بزرگ‌ترین محرمات شرعی برشمرده‌اند

(طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۴۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۳۵). در روایات نیز ظلم به مثابه خروج از حق و میل به باطل معرفی شده است؛ حتی در مواردی که به تملک مستقیم مال منتهی نمی شود، به خودی خود عملی حرام و محکوم به منع دانسته شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۳۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۴۵).

۳-۲. رانت به مثابه ظلم فردی و ساختاری

رانت خواری به ویژه در اشکال اقتصادی، سیاسی و قضایی آن از جهات متعددی مصداق روشن ظلم به شمار می رود و می توان آن را در سه سطح تحلیل کرد:

الف) ظلم به افراد و رقیبان

رانت خواری با ایجاد امتیاز انحصاری و غیرموجه، فرصت های برابر را از دیگر افراد و فعالان اقتصادی یا اجتماعی سلب می کند؛ بدین ترتیب حق طبیعی و عقلایی آنان در دسترسی عادلانه به منابع و موقعیت ها را از بین می برد؛ امری که در فقه از مصادیق روشن تعدی به حقوق دیگران تلقی می شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۲۷۵؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۹۸).

ب) ظلم به جامعه و بیت المال

رانت خواری در بسیاری از موارد موجب می شود منابع عمومی به جای تخصیص عادلانه، شفاف و کارآمد، در اختیار اشخاص یا گروه های خاص قرار گیرد. این امر افزون بر تضییع حقوق عمومی، به تضعیف اعتماد اجتماعی و ناکارآمدی ساختارهای اقتصادی و اداری منجر می شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۳؛ مؤمنی، ۱۳۹۲، ص ۸۵).

ج) ظلم ساختاری و نهادی

حتی در فرضی که در یک مقطع زمانی زیان دیده معین و قابل شناسایی وجود نداشته باشد، استمرار رانت خواری به شکل گیری ساختار ناعادلانه توزیع ثروت، قدرت و فرصت‌های انجامد. چنین ساختاری در بلندمدت نوعی ظلم فراگیر و پایدار را بر جامعه تحمیل می‌کند که آثار آن فراتر از اشخاص خاص است (صدر، ۱۴۰۸، ص ۵۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۵).
فقه امامیه ظلم را منحصر در تضییع حق شخص معین نمی‌داند، بلکه اخلال در عدالت اجتماعی، ایجاد تبعیض ناروا و تثبیت ساختارهای ناعادلانه را نیز از مصادیق روشن ظلم تلقی می‌کند؛ از این رو رانت خواری حتی در فرض فقدان شاکی خصوصی، از حیث فقهی عملی حرام و ممنوع خواهد بود (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۰۵).

۳-۳. حرمت رانت خواری از باب «خیانت در امانت»

۳-۳-۱. توسعه مفهوم امانت در فقه اسلامی

مفهوم «امانت» در فقه اسلامی منحصر در اموال سپرده شده شخصی نیست، بلکه هر آنچه به موجب شرع یا عقل در اختیار انسان قرار می‌گیرد تا در مسیر خاصی استفاده شود، امانت محسوب می‌شود. فقیهان بر این اساس مناصب عمومی، ولایت، قضاوت و مسئولیت‌های حکومتی را نیز از مصادیق امانت دانسته‌اند (خمینی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۷۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۰، ص ۶۳).
روایات متعددی نیز بر حرمت خیانت در امانت دلالت دارد و آن را از نشانه‌های نفاق معرفی می‌کند؛ امری که نشان دهنده اهمیت این عنوان در نظام اخلاقی و حقوقی اسلام است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۲۴).

۳-۳-۲. تطبیق عنوان خیانت در امانت بر رانت سیاسی و اطلاعاتی

در رانت سیاسی، شخصی که به منصب یا اختیار عمومی دست یافته است، به جای

رعایت مصالح عمومی و معیارهای عدالت، از موقعیت خود برای تأمین منافع شخصی یا گروهی استفاده می‌کند؛ چنین رفتاری از منظر فقهی، خروج از حدود امانت داری و مصداق خیانت در امانت است (خمینی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۷۵). همچنین در رانت اطلاعاتی، اطلاعاتی که به واسطه مسئولیت یا موقعیت خاص در اختیار فرد قرار گرفته است، ماهیت امانی دارد و بهره‌برداری شخصی از آن بدون مجوز شرعی، از مصادیق روشن خیانت در امانت به شمار می‌رود (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۰۹).

۳-۴. حرمت رانت خواری از باب «تلقی رکنان و فریب معاملاتی»

یکی از ابواب فقه معاملات که شباهت چشمگیری با رانت اطلاعاتی دارد، باب «تلقی رکنان» است. شارع مقدس در این باب، سوءاستفاده از ناآگاهی طرف معامله و عدم تقارن اطلاعاتی در بازار را ممنوع دانسته است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۷۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۷۵).

در تلقی رکنان، هرچند معامله از حیث صوری ممکن است صحیح باشد، اما به دلیل فریب و بهره‌برداری از جهل طرف مقابل، شارع آن را رفتاری ناعادلانه تلقی کرده است. رانت اطلاعاتی نیز بر همین منطق استوار است؛ زیرا در آن یک طرف با اتکا به اطلاعات انحصاری و پنهان از بی اطلاعاتی دیگران بهره‌برداری می‌کند (Tullock, 1967, p. 224; Krueger, 1974, p. 291).

۳-۵. جمع‌بندی ادله اولیه حرمت رانت خواری

بر اساس آنچه گذشت، روشن می‌شود که رانت خواری هرچند عنوانی نوپدید و فاقد نص خاص است، اما به واسطه ماهیت و آثار خود به یقین مشمول عناوین اولیه حرمت در فقه امامیه قرار می‌گیرد؛ از جمله: الف) اکل مال به باطل (در بعد اقتصادی)؛ ب) ظلم (در بعد

فردی و اجتماعی؛ ج) خیانت در امانت (در بعد حکومتی و اطلاعاتی). این ادله برای اثبات حرمت رانت خواری کفایت می‌کند و زمینه بررسی عناوین ثانویه مانند نفی ضرر و اخلال در نظام را فراهم می‌آورد (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۱۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۶).

۴. رانت خواری به مثابه مفسده اجتماعی

رانت خواری به دلیل آثار گسترده اقتصادی و اجتماعی خود از مصادیق بارز فساد اجتماعی به شمار می‌رود؛ زیرا موجب کاهش تولید، افزایش نابرابری، گسترش بیکاری و نارضایتی اجتماعی می‌شود (Krueger, 1974, p. 291؛ مؤمنی، ۱۳۹۲، ص ۸۷). در متون اسلامی نیز فساد اجتماعی امری نکوهیده تلقی شده است؛ چنان‌که در منابع روایی آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ أَمْرَ الْأُمَّةِ عَلَى الْفُسَادِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۸۹)؛ از این رو هر رفتاری که موجب فساد گسترده در جامعه شود، از منظر فقه اسلامی قابل منع خواهد بود.

۴-۱. قاعده اضطرار و حدود آن

در فقه اسلامی قاعده‌ای مشهور وجود دارد که بر اساس آن، در شرایط اضطراری برخی محرمات ممکن است به مقدار ضرورت مجاز برشمرده شوند. این قاعده در قالب اصل «الضرورات تبيح المحظورات» بیان شده است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۷۹). با این وجود، چنین جوازی صرفاً در شرایط اضطرار واقعی و به مقدار ضرورت معتبر است و نمی‌تواند به ابزاری برای توجیه فساد یا سوءاستفاده از منابع عمومی تبدیل شود. تشخیص این ضرورت نیز در حوزه مسائل عمومی در اختیار حاکم اسلامی قرار دارد (خمینی، ۱۴۰۸، ص ۶۸).

۴-۲. قاعده نفی ضرر

از دیگر مبانی مهم فقهی در این باره، قاعده «نفی ضرر» است که بر اساس حدیث مشهور نبوی «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ»

استوار است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۹۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۳۴۰). بر اساس این قاعده، شارع مقدس استمرار رفتارهایی را که موجب ضرر گسترده اجتماعی می شوند، نمی پذیرد. رانت خواری با ایجاد نابرابری اقتصادی و اختلال در عدالت توزیعی، مصداقی روشن از ضرر نوعی به جامعه محسوب می شود (مؤمنی، ۱۳۹۲، ص ۹۰).

۴-۳. نتیجه تطبیقی

بر اساس مجموعه ادله ثانویه فقهی، نتیجه چنین است:

الف) در صورت اثبات حرمت رانت خواری بر اساس ادله اولی، قواعد ثانویه نقش تأکیدی دارند.

ب) در صورت تردید در ادله اولی، قواعدی همچون حفظ نظام و نفی فساد در جایگاه ادله مستقل حرمت را اثبات می کنند.

ج) هرگونه استثنا تنها در چارچوب اضطرار و حکم حکومتی تصورپذیر است (خمینی، ۱۴۰۸، ص ۷۰؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۸۵).

۵. حکم حکومتی و رانت خواری

۵-۱. مفهوم حکم حکومتی

در فقه امامیه، حکم حکومتی به تصمیم ها و مقرراتی گفته می شود که حاکم اسلامی برای اداره جامعه و تأمین مصالح عمومی صادر می کند. این احکام در چارچوب شریعت و در راستای تحقق اهداف آن قرار دارند (خمینی، ۱۴۰۸، ص ۵۵).

۵-۲. اصل حاکم در باب رانت

اصل در نظام فقهی امامیه با توجه به ادله اولی و ثانوی، منع رانت خواری و مقابله با آن است؛ با وجود این، در شرایط خاص و با تشخیص مصلحت عمومی از سوی حاکم اسلامی، ممکن است برخی سازوکارهای استثنایی به طور موقت مجاز برشمرده شوند (خمینی، ۱۴۰۸، ص ۶۷).

۵-۳. جمع‌بندی بخش حکم حکومتی

برآیند مباحث این بخش را می‌توان در چند گزاره منقح خلاصه کرد:

الف) اصل در فقه امامیه، حرمت رانت خواری و بطلان آثار مالی ناشی از آن است؛ زیرا رانت خواری در بسیاری از مصادیق خود مشمول عناوینی همچون اکل مال به باطل، ظلم و خیانت در امانت می‌گردد؛ از این رو مشروعیتی برای تملک مالی حاصل از آن وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۳۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۵۲؛ خمینی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۷۳).

ب) احکام ثانویه و حکومتی برای توجیه رانت جعل نشده‌اند، بلکه کارکرد اصلی آنها مدیریت شرایط استثنایی و تأمین مصالح کلان جامعه اسلامی است. در فقه حکومتی، حکم حکومتی ابزاری برای تنظیم امور عمومی در چارچوب مصالح جامعه و جلوگیری از اختلال در نظام اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود (خمینی، ۱۴۰۸، ص ۶۵؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۱۲).

ج) هرگونه جواز در بهره‌گیری از امتیازات خاص یا رانت احتمالی تنها در شرایط محدود تصورپذیر است؛ بدین معنا که:

● موقت و محدود به شرایط خاص باشد؛

- مبتنی بر تشخیص مصلحت اهمّ جامعه اسلامی باشد؛
- به صورت انحصاری توسط حاکم اسلامی یا نهادهای دارای مشروعیت از سوی او صادر گردد (خمینی، ۱۴۰۸، ص ۷۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۱۸؛ صدر، ۱۴۰۸، ص ۶۳).

د) تعمیم این استثنایها به سطوح مدیریتی یا شخصی نه تنها فاقد مبنای فقهی است، بلکه خود مصداق اخلال در نظام و زمینه ساز فساد ساختاری خواهد بود؛ زیرا یکی از اصول بنیادین فقه سیاسی اسلام، جلوگیری از فساد در ساختار قدرت و صیانت از عدالت در توزیع منابع عمومی است (نائینی، ۱۴۰۶، ص ۴۸؛ خمینی، ۱۴۰۸، ص ۶۸).

نتیجه گیری نهایی

پژوهش حاضر با هدف تبیین حکم فقهی رانت و رانت خواری در فقه امامیه و بررسی نقش دولت اسلامی در مواجهه با این پدیده، بر پایه روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا بر منابع اصیل فقهی انجام پذیرفت. یافته ها نشان می دهد رانت خواری - برخلاف برداشتهای سطحی - نه تنها از حیث اخلاقی و اجتماعی ناپسند است، بلکه از منظر فقهی نیز واجد حکمی صریح و استنباط پذیر است.

بر اساس ادله و عناوین اولیه، رانت خواری از جهت حکم تکلیفی حرام و از حیث حکم وضعی نیز موجب بطلان تصرفات مالی ناشی از آن است؛ زیرا:

- الف) مصداق بارز «اکل مال به باطل» به شمار می رود؛ چون منافع ناشی از رانت فاقد سبب مشروع شرعی است و بیرون از سازوکار عادلانه تملک حاصل می شود.
- ب) با توجه به تضییع حقوق عمومی و ایجاد تبعیض، رانت خواری مصداق روشن «ظلم» است و به حکم حرمت ظلم، ممنوعیت آن قطعی است.

ج) هنگامی که رانت از طریق سوء استفاده از مقام، موقعیت اجرایی، سیاسی یا اطلاعاتی پدید می‌آید، «خیانت در امانت» نیز بر آن صادق است.

بنابراین هم بهره‌بردار و هم اعطاکننده رانت، مشمول حکم حرمت اند و اعمال هر دو به منزله تصرف در مال غیر و تجاوز به حقوق عمومی تلقی می‌شود.

در برابر، بررسی احتمالی ادله جواز از جمله آیه «تراضی» یا قاعده «تسلط»، نشان داد که این نصوص توان معارضه با ادله مانعه را ندارند؛ زیرا ناظر به اموال شخصی اند و تعمیم آنها به اموال عمومی، حکومتی یا مشترک، فاقد وجاهت فقهی است؛ از این رو دلیلی نام بر جواز رانت خواری وجود ندارد و زمینه برای جریان بی معارض ادله حرمت فراهم است.

در سطح عناوین ثانویه نیز روشن شد که حتی اگر در فرضی نادر تردیدی در حکم اولی پدید آید، قواعدی همچون وجوب حفظ نظام، نفی فساد، دفع ضرر نوعی و رعایت مصلحت عمومی به مثابه دلایل مستقل بر حرمت رانت خواری دلالت دارند. رانت با پیامدهای ویران‌کننده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود، موجب اخلال در نظم عمومی و گسترش فساد ساختاری می‌شود؛ از این رو شرع مقدس به هیچ وجه اجازه استمرار آن را نمی‌دهد.

با این حال، فقه امامیه با واقع‌نگری حکومتی، باب «حکم حکومتی» را برای مدیریت شرایط استثنایی گشوده است. بر پایه یافته‌های تحقیق، در اوضاع خاص زمانی و مکانی، حاکم اسلامی می‌تواند برای حفظ نظام، جلوگیری از ضرر بزرگ‌تر یا تحقق مصلحت مهم‌تر، به طور موقت و محدود برخی اشکال رانت را مشروع بشمارد؛ از جمله:

الف) رانت اقتصادی در روابط بین الملل برای تقویت جبهه اسلامی؛

ب) رانت سیاسی در حوزه‌های امنیتی برای جلوگیری از نفوذ دشمن؛

ج) یا تعلیق موقت احکام قضایی برای پیشگیری از فتنه و آشوب اجتماعی.

این جواز نه قاعده‌ای دائمی، بلکه استثنایی و اضطراری است و صرفاً در اختیار حاکم اسلامی مشروع قرار دارد؛ به گونه‌ای که هیچ مقام اجرایی، مدیریتی یا قضایی حتی در

عالی‌ترین مراتب، حق صدور یا اعمال چنین مجوزی را به صورت شخصی ندارد. در غیر این حالت، مفهوم مصلحت به ابزاری برای توجیه فساد و انحراف از نظام عدالت دینی تبدیل خواهد شد.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که فقه امامیه با ترکیب سه ساحت ادله اولی، قواعد ثانویه و مبانی فقه حکومتی، چارچوبی منسجم و کارآمد برای ممنوعیت رانت خواری و سیاست‌گذاری ضد رانت ارائه می‌دهد. این چارچوب از یک سو مانع سقوط فقه در جمود فردی است؛ از سوی دیگر از مشروع‌نمایی فساد به نام مصلحت جلوگیری می‌کند؛ بدین ترتیب می‌تواند مبنایی نظری و استوار برای قانون‌گذاری عادلانه و حکمرانی پاک در نظام اسلامی معاصر فراهم آورد.

منابع

قرآن کریم

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). فقه و عدالت اجتماعی. قم: اسراء.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
- خسروی، محمد (۱۳۹۵). اقتصاد سیاسی رانت در ایران. تهران: نشر نی.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۰۳ ق). تحریر الوسیله. ج ۲. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۰۸ ق). البیع. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۰۸ ق). ولایت فقیه (الحکومة الإسلامية). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- صدر، محمدباقر (۱۴۰۲ ق). الفتاوی الواضحة. قم: دارالتعارف.
- صدر، محمدباقر (۱۴۰۸ ق). اقتصادنا. قم: دارالتعارف.

- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۰). نظریه سیاسی اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). القواعد الفقهیه. قم: مدرسه امام علی (ع).
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۴۱۹ ق). القواعد الفقهیه. قم: الهادی.
- موسوی، سید حسن (۱۳۹۸). فساد اداری و رانت در نظام حکمرانی. تهران: پژوهشکده اقتصاد.
- موسوی، سید محمد (۱۳۹۸). عدالت قضایی و نظام دادرسی در اسلام. تهران: سمت.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۲). اقتصاد سیاسی توسعه در ایران. تهران: نشر نی.
- نائینی، محمد حسین (۱۴۰۶ ق). تنبیه الامه و تنزیه المله. قم: بوستان کتاب.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- نراقی، احمد (۱۴۰۸ ق). مستند الشیعه فی احکام الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

References

- Krueger, Anne O. 1974. "The Political Economy of the RentSeeking Society." American Economic Review, 64(3): 291–303.
- Nye, Joseph S. 2007. Understanding International Conflicts: An Introduction to Theory and History. New York: Pearson Longman.
- Pearce, David. 1992. The MIT Dictionary of Modern Economics. London: MIT Press.
- Tullock, Gordon. 1967. "The Welfare Costs of Tariffs, Monopolies, and Theft." Western Economic Journal, 5(3): 224–232.